لوایح و مقالاتیکه با مسلک روزنامه موافقت کند پذیرفته و درج خواهد شد



روزنامه ایست اخلاقی • علم خانه داری • بچه داری • شوهرداری • مفید بحال دختران و نسوان و ابداً از پلتیک و سیاست مملکتی سخن نمیراند

محل اداره طهران

خیابان علاء الدوله نمره ۲۴

صاحب امتیاز و مدیر

خانم دکتر کحال

هفته‌ای یک نمره محتوی هشت صفحه

طبع و توزیع میشود

اعلانات صفحه اول سطری یک قران

صفحه آخر ده شاهی

بتاریخ دهم شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۳۸

قیمت اشتراک سالیانه

طهران	۱۲ قران
سایر ولایات	۱۵ قران
بلاد خارجه	۷ فرانک

طهران تک نمره یک عباسی

سایر ولایات ۵ شاهی

اعلاناتی که بزبان های خارجه باشد

دو مقابل اخذ میشود

پس از ارسال سه نمره آبونمان دریافت میشود

بسم الله الرحمن الرحیم

بر ارباب دانش و بینش مخفی نیست که خالق عقل و دانش و رازق کل آفرینش تربیت نوع بشر را از پسر و دختر بعهده کفایت و قوه درایت امهات نهاده و این موهبت را بطایفه نسوان داده زیرا تمام موالید از حین تولید تا قرب ده سال کسب اخلاق و تربیت از مادرها مینمایند و تقلید از حالات و اخلاق انها میکنند خاصه بنات که انها نیز در اتیه امهات هستند

و هرگاه مادرها صاحب اخلاق رذیله باشند ناچار اولاد صاحب اخلاق حسنه نخواهد شد پس چه باید کرد که مادرها بتوانند از عهده این خدمت بخوبی برایند ؟

باید عالم شوند که فرموده‌اند (طلب العلم فریضة علی کل مومن و مومنه) یعنی تحصیل علم و دانش بر هر مرد و زنی واجب است (اطلبوا العلم ولو بالصین) طلب کنید علم را اگرچه آن علم در چین باشد

معلوم است اسباب تحصیل علم و دانش برای اطفال مدارس است که امروز بحمدالله در این شهر پای تخت تا یک اندازه برای اطفال ذکور و اناث تهیه شده

و اما تحصیل علم و دانش برای اکابر و اهل بینش اسبابی بهتر از جراید نیست که در اوقات فراغت با حواس جمع بمطالعه ان مشغول گردیده از همه چیز دانا و عالم گردند

و برای اینکه بخانمهای محترمات وطن و مادرهای عزیز صاحب عقل و فطان تعلیم خانه‌داری و شوهرداری و بچه‌داری نمایم و بر دانش انها بیفزایم این کمینه خانم دکتر صبیه مرحوم میرزا محمد حکیم باشی جدید الاسلام این جریده موسوم به (دانش) را علی الحساب هفته یک نمره تقدیم ارباب ذوق و دانش میسازم و برای تحصیل اخلاق حسنه خانمهای محترمه و تفریح و تفنن انها در هر نمره ترجمه بعضی رمانها یا مطایبات را مندرج مینمایم امیدوارم اقایان و خانمهای عزیز باین ناچیز مدد فرمایند که این خدمت را بخوبی بتوانم از عهده برایم و هیچ مددی کمکی بهتر از تشویق نیست و هیچ تشویقی بهتر از این نیست که

بان بضاعت مزجات مشتری شوند تا چندان ضرری که نتوان از عهده برامد بر این بی‌نوا تحمیل نشود

در واقع مشترکین این جریده میتوانند بقصد خیر این روزنامه را بخرند — خانمهائیکه سواد خواندن ندارند بر اقایان محترم فرض است که این جریده را برای انها مرحمته بخوانند تا انها نیز از این فیض محروم نمانند بلکه همین معنی سبب شود که تحصیل سواد نیز بفرمایند

حفظ الصحه اطفال

خدمت خانمهای عزیز مادر و دایه‌های اطفال عرض میشود قدری توجه فرموده این دستور العمل را تو جه گوش فرمائید تا اطفال عزیز خودرا قوی بنیه و سالم المزاج عمل اورده همه روزه مبتلا بضعف مزاج و ناخوشی اطفال نباشید و محتاج بطبیب چندان نگردید .

بچه‌های ضعیف و بیمار اغلب بد خو و لجوج و گریه کن و قهر کن میشوند و نصف شب بیدار شده و گریه و زاری و بی قراری مینمایند — در خانه که چندین طفل باشد در میان انها طفل مریض نباشد همه بخوبی و خوشی با یکدیگر بازی میکنند اسباب زحمت نمیشوند برخلاف اگر یکنفر درمیان ان اطفال باشد که مزاجش علیل باشد در میان انها هزار قسم فتنه اغاز میکنند و اسباب هزار قسم زحمت میشود چنین طفل را بطبیب نشان دادن و معالجه نمودن بهتر از کتک زدن است زیرا که کتک مزاج علیل او را سالم نخواهد نمود لکن دستور العمل طبیب اورا صحیح نموده خواهید دید که دیگر ازان طفل یکی زحمت نخواهد رسید — این هم مسلم است که علم بچه داری را دریک روز نمیتوان اموخت .

تجربه گران بها است

خانمهای جوان تربیت کننده اطفال انهائیکه اول جوانی و عمرشان است باید کوشش نمایند که علم بچه داری را از خانمهای تجربه نموده بیاموزند — ان خانمهای تجربه کرده هریک از تجارب خودرا باهزار خون دل و بقیمت گران بدست اورده اند شما از انها بقیمت ارزان خواهید خرید لکن قدر ان تجاربرا خوب بدانید .

طریقه غذادادن اطفال

مادران و دایگان اطفال بدانند حفظ الصحه اطفال بسته بغذا دادن انها است پس باید خیلی مواظب در غذای اطفال بشوند ـ مثلا اغلب ملتفت نیستند که گوش درد دندان درد سر درد وغش بچها از ضعف معده انها است شاید گمان میکنند بواسطه سوء هضم است اما غشوه اطفال بواسطه ترش شدن شیر در معده انها است و بدانید که اعصاب شکم و عصبهای گوش و سر و دندان باهم ارتباط دارند این است که وقتی معده فاسد شد بگوش و سر و سایر اعضاء اثر مینماید .

(اغذیه مناسب لطفال)

پس از ان که مطالب فوق معلوم شد برای خانمهای با عقل ودانش غذاء دادن اطفال چندان اشکال ندارد و میتوانند از روی عقل و تجربه بفهمند که چه غذائی بطفلشان ساز گار و کدام یک نا گوار است چنانچه یک وقت چنین دیده شد که غذائی پسری را هر وقت بطفلی تا رسید بسن ده سالگی میدادند فریاد از درد گوش می نمود و اخر بواسطه خوردن ان غذا ان پسر کر شد اگر چه درابتداء برای زنهای بی تجربه این حکایت سبب تعجب وخنده میشد لیکن در اخر معلوم گردید که در اصل عصب گوش ان پسر ضعیف بود و ان غذا برایش ضرر داشت درصورتیکه بسایر اطفال همان غذا بی ضرر بود پس باید مادران و دایگان با عقل وهوش باین نکته ملتفت و مواظب باشند غذائیکه بطفل نا سازگار وناگوار است ندهند ـ صحت اطفال وقتی است که شکم انها بقاعده عمل نماید وقتیکه یبوست عارض طفل شود علیل میگردد دراین صورت اطفالی را که یبوست دارند بهترین تدبیر ان است که داخل شیراو قدری ماء الشعیر نمایند و علاوه شیر دهنده نیز هر وقت اب میاشامد قدری ماء الشعیر داخل ان اب نماید زیرا که اب خالص دارای مواد اهن و اهک و گچ است و این هر سه تولید یبوست میکنند ـ برای اطفالی که ضعیف بنیه هستند و شکمشان عمل درست ندارد تدبیر صحیح این است که بعد ازخوردن غذا یک مثقال روغن ماهی بدهند واین عمل خیلی مفید است .

بچه را که از شیر باز میکنند باید در عرض روز بتدریج سه استکان چای یا اب بدهند و اگر بیش از سه سال دارد پورتقال و گلابی رسیده و سایر میوه جات بدهند لکن ان میوهرا پوست و هسته گرفته تا مبادا پوست یا هسته ان را بخورد و هر روز صبح قبل از همه چیز یک فنجان قند اب خیلی مفید است

(باقی دارد)

اعلان

دواخانه مرکزی

مسیو شوردن مسیو بوناطی

دواساز مخصوص اعلاحضرت همایونی

در خیابان ناصریه

طهران

اداره مخصوص بجهت تجزیه هر نوع ازاشیاء و فروش عمده هر قسم از دوائیات و ابهای معدنی و لوازمات عکاسی و اسباب جراحی و عطریات و سایر دواهای مخصوص

ایضا

مغازه هاندی

طهران خیابان لالهزار

کرسه و بته و طوریهای اعلای اوان و سایر لوازم زنانه از هر قبیل و لوازم مردانه و بچهگانه یافت میشود

وماهوتهای ممتاز و پارچههای اطلس برای لباس زنانه خوش یافت میشود .

ایضا

منازه نوظهور

طهران خیابان لالهزار

کارخانه خیاطی زنانه از هر قبیل

لباس بمد تازه دوخته میشود

مسیو جس دوس

➤ خطاب بدوشیزگان ➤

حال ما گناه کار هستیم پس نباید در پی عیب جوئی وگناه دیگران باشیم

طعنه زدن : قهر کردن . روی درهم کشیدن تمام اسباب دل شکستن است از این اخلاق پرهیز نمائید ! تمام ما گناهکار سخت هستیم لکن بعضی اشخاص گناهشان مخفی و در ظاهر کم است وخداوند آگاه است لازم نیست که ما بدانیم بلکه نمیتوانیم باید خودرا بی گناه نمائیم — پس باید با مردم خیر خواه باشیم و خوش روئی و خوش خلقی پیشه نمائیم — وقتیکه می بینید دختری لباس خوب در بر ندارد یا شخص آن دختر میفروشد اگر خدای نخواسته چنین باشید مثل آن است که سنگی را برداشته بطرف او بیندازید شما چه میدانید که سبب نپوشیدن لباس خوب چیست شاید پول خودرا بخیرات ومبرات خرج نموده وان خرج را بهتر از لباس فاخر پوشیدن دانسته یا آنکه شاید از مردم طلبکار بوده و نخواسته است بسختی طلب خود را وصول نماید چون سبب وجهت آنرا نمیدانید بچشم حقارت باو منگرید و چنین تصور کنید که او اگر لباس فاخر پوشیده بود همانقسم با او سلوک میکردید

باید دختران خوب همیشه در پی دلجوئی مردم باشند اگر بیمار است از او عیادت نموده احوال پرسی کنند اگر فقیر است دستگیری نمایند و اگر محزون است و غمی دارد اورا مشغول نمایند دیگر لازم نیست بدختران عاقل جمیع وسائل دلجوئی را یاد بدهیم یکی از صفات خوب وتمجید نمودن است در مقابل هر خوبی که مشاهده مینمائید

زیرا که یك آفرین سبب تشویق او میشود , و دلش خوشحال میگردد و بعد از این بیشتر سعی میکند که اینکلمه را بشنود — همیشه درباره مردم خیال خوب بکنید و بدگمانی را از خود دور نمائید و همواره نوعی رفتار کنید که کل خرمی وشادی از قلب شما بروید وهمیشه خوشحال باشید — همیشه خوشرو باشید زیراکه این حالت صدمات و زحمات را سبك مینماید گفته اند طوری زندگی کنید که وقتی برف حوادث بر سر تان میبارد کلهای خرمی از قلبتان بروید یعنی همیشه بشاش باشید وعبوس نباشید — خوش خلقی سبب میشود که دوستان شخص زیاد میشود و درد ها کم میگردد . .

تمام مردم را خداوند برای فایده خلق فرموده بگذارید که عنایات الهی نزد ما ضایع نشود نچه خداوند برای ما گران بها فرموده جان است ووقت این دو نعمت بزرگ را نگذارید ضایع بشود وباید در دنیا از این دو نعمت خیلی فایده عاید ما بشود باید طوری اعمال ما از صمیم قلب نیکو باشند که وقتی مردیم مردم از فوت ما اسف بخورند .

تو چنان زی که چه مردی برهی

نه چنان زی که چه مردی برهند

اگر ما در دنیا بوظایف خود عمل ننمائیم وکار نیك نکنیم هر دنیا بگردش آسمان قانونی حاصل نمیشود لکن در آخرت معلوم میشود که چقدر بد کرده ایم ما میتوانیم همه روزه بواسطه اخلاق حسنه از گناهان خودمان بکاهیم و میتوانیم بواسطه اخلاق رذیله بر گناهان خود بیفزائیم چقدر سعادتمند است کسیکه همیشه اخلاق حسنه تحصیل نماید وهر دنیا و آخرت راحت باشد مگر لذتی بالاتر از اخلاق خوش در دنیا وجود دارد

(بقیه دارد)

➤ خانه داری ➤

خانمها باید این نکته را خوب ملتفت بشوند که آنها نظر وحافظ مال شوهر هستند که در واقع مال خودشان است تمام نیك بختی و سعادت خانه بسته بحسن کفایت ودانش خانم خانه است هرگاه خانم خانه لاابالی و بی کفایتی

باشند ناچار سایر خدام دلسوزی نخواهند داشت — بندرت اتفاق میافتد که خانمها غیر از خانه داری و مراقبت باوضاع خانه کار دیگر داشته باشند پس باید خیلی اوقات شریف را مصروف نظم خانه داری نمایند از جمله پسندیدن اشیائی است که وارد خانه میشود اگر خانم باین عمل اعتنا نکند نوکرها که میخرند دقت نخواهند نمود همیشه اهل ان خانه دچار اشیاء وامتعه بد خواهند بود و همچنین در قیمت انها نیز باید خانم دقت نماید که مغبون نشود — خانم نباید الت دست خدمتکار بشود یعنی خدمتکارها براو مسلط شوند اگرچنین شود ان خانه از نظم و تربیت میافتد — البته نمیتوان بخانمهای محترمه تعلیم جزئیات خانه داری را اموخت الکن وقتیکه خانم اهل دانش باشد عقل خودش همه چیز را باو یاد میدهد خاصه در صورتیکه تجربه هم بران مزید شود پس رفته خانمهای مجرب است که تجربه درعلم و تجربه خانه داری اموخته اند به جوانهای بی تجربه بیاموزند — خانمهای جوان در اول مرحله زندگی باشکالاتی برمیخورند ولکن بواسطه عقل و کیاست و دانش و فراست خیلی زود رفع اشکالات میکنند و پس از رفع اشکالات زندگی برای انها اسان میگردد — خانه داری بحسن و صنعت زن و محبت شوهر نیست بلکه فقط بسته بحسن کدابنوئی و درایت است زن در خانه یا فرمانده است یا فرمان بر فرمانده باید زمام امور خانه را محکم در دست بگیرد که محتاج بکار بردن تازیانه نشود و هرگاه زن بواسطه کاهلی یا جاهلی یعنی بواسطه لاابالی گری یا نادانی زمام امور را از دست داد ناچار ان زمام بدست کلفت خواهد افتاد و شوهر ناچار محتاج کلفت میشود و خانمی ازون از میان میرود — خانم خانه دار زودتر از کلفت از خواب برخواسته مشغول نماز میشود اگر کلفت مایل بخواب باشد شرم و خجالت اورا از خواب برمیخیزاند و بر عکس هرگاه خانم دیر از خواب برخیزد کلفت دیرتر برمیخیزد مسلم است خانم وقتیکه صبح زود ازخواب برمی خیزد پس از نماز صبح اول کاری که میکند ترتیب اسایش شوهررا فراهم میاورد چای برای او حاضر میکند انچه از لوازمات اوست از اکل و شرب انوقت درپی تنظیف خانه و اطاقها میرود و

پس از ان به تهیه غذای نهار مشغول میشود و وقتیکه شوهرش میخواهد از خانه بیرون برود در لباس او دقت میکند که پاک وپاکیزه باشد — خانم باید با کلفتها بخوش روئی برخورد نماید ایراد بیجا نگیرد و مخصوصا در غذای کلفت و نوکر دقت نماید زیراکه وقتی غذای انهارا بمیل انها و خوب داد انها هم دلسوزی در کارها خواهند نمود والا مکدر میشوند (بقیه دارد)

◄ رسم شوهر داری ►

یکی از خانمهای عاقله دنیا درموضوع فوق مطالبی نوشته که خیلی عاقلانه و حکیمانه است و ما محض خدمت به خواتین محترمات انها را بتدریج در این جریده منتشر میسازیم .

خانم میگوید هرگز وعده که بشوهر میدهید خلاف نکنید مگر با عذر موجه زیرا که خلاف وعده موجب رنجش خاطر میشود .

دیگر اینکه همه روزه از شوهر پول نخواهید زیرا که پول خواستن سبب خفت خواهنده وانزجار قلب شوهر میشود برای مخارج لازمه خودتان ماهیانه قرار بگذارید که فقط ماهی یکدفعه مطالبه از او بفرمائید ؟

مثلا اگر همه روزه بیک عنوانی از شوهر پول بخواهید یک روز باسم لباس خود و یک روز هم لباس بچهها و یک روز برای چیز دیگر انوقت اگر یک روز چهارقد قشنگ سر کنید چون شوهر میداند که اکنون پول قیمت اورا خواهید خواست بان چهارقد نگاه نمیکند ولکن وقتیکه ماهیانه قرار دادید چون شوهر اطمینان دارد که زاید از ماهیانه ازاو نخواهید خواست هر وقت لباس نو بپوشید مورد توجه شوهر شده بخوبی انرا تماشا خواهد نمود

دیگر میگوید بعضی خانمهارا سراغ دارم که اولاد را پیش از شوهر دوست میدارند و اغلب در درستی اولاد باشوهر جدال میکنند و این خبط عظیم است و دلیل طبیعی ندارد زیرا که اول شوهر است دوم اولاد تا شوهر نباشد اولاد حاصل نخواهد شد پس ناچار باید شوهررا پیش از اولاد دوست داشت مثلی است مشهور اول اب بود بعد از ان دندان امد .

خانم معزی الیها میگوید هیچوقت نزد کسی از شوهر

بدگوئی نکنید خانه نزد قوم وخویشها زیرا تجربه معلوم گردیده که اگر از شوهر گله حاصل شده وقتیکه دردل نگاهداشتی وبکسی مذاکره ننمودی بعد ازیکهفته ترتیبی پیش میاید که بکلی رفع ان شکایت میشود و از دل بیرون میرود و فراموش میگردد لکن وقتی بکسی اظهار کردی ان شخص نمیگذارد ان شکایت فراموش شود و از میان برود ـ بعلاوه وقتی که شکایت شوهر را بمردم کنی ناچار بگوش شوهر میرسد و از شما مکدر خواهد شد ـ لکن از خواص مرد است که شکایات خودش را از زن علی القوه بکسی اظهار نمیکند .

خانم میگوید زن باید اقوام شوهر را بیشتر مهمان نموده و بهتر از اقوام خودش انها را پذیرائی نماید زیرا که مرد از این مطلب خوشحال میشود .

خانم محترمه میگوید درتهیات راحتی شوهر مواظب باشید مثلا غذای او را بوقت حاضر نمائید و درزمستان کرسی یا بخاری اورا گرم و حاضر بدارید اطاق را پاک و تمیز نگاهدارید کلیه طوری باشد که وقتی میخواهد وارد خانه میشود از هر جهة راحت باشد وطوری اسباب راحت خود را در خانه خود به بیند که با کمال میل و رغبت وارد خانه بشود نه اینکه پس از ورود یکی یکی مطالبه اسباب راحت خود را به نماید مثلا او بگوید اتش بیاورید یا نهار بیاورید یا شام بیاورید در این صورت از ورود در خانه راضی نخواهد بود .

خانم مشار الیها میگوید شما اگر از جائی دلتنگی دارید وقتیکه شوهر وارد خانه شد با روی گشاده او را استقبال نموده تعارفات رسمانه را بجا بیاورید و ان اوقات تلخی را پنهان نمائید مبادا مرد بیچاره هم ازجای دیگر اوقاتش تلخ باشد وقتیکه خانه امد بر اوقات تلخی او بیفزاید و حال انکه باید رفع اوقات تلخی از او بشود

میگوید خانم نجیبه محترمه اگر سواد ندارد باید فورا در پی تحصیل سواد براید و درس بخواند زیرا که زن بی سواد صاحب عقل وتمیز نخواهدشد واگرسواددارد باید بیشتراوقات خویشرا مصروف روزنامه خواندن نماید بجهت اینکه کسیکه روز نامه میخواند همه چیز میداند .

میفرماید اگر ازشوهر کاری دیدی که یا حقیقتا غلط است ویابعقیده شما غلط است بروی خود نیاورید و ایراد باو نگیرید زیرا از ان ایراد شوهر مکدر شده باعث میشود که بعد از این کارهای خودشرا ازشما پنهان میکند و شما از کار های او بی اطلاع خواهید شد

(بقیه دارد)

﴿ فواید نور افتاب عالم تاب ﴾

لازم شد از فواید نور عالمتاب افتاب که هرساعت بما ساکنین ارض عاید میگردد شمه بیان نمائیم تا مطالعه کنندگان محترم شکر این نعمت بزرگ الهی را بجا بیاورند و بدانند که تقریبا همه چیز ما بسته باین نور است

صحت ، حیات ، فرح ، تمام از اثر پرتو این نور خدا داده است ، فوایدی که باشجار و نباتات وانسان میدهد برهمه واضح و مشهود است که چطور شاخ وبرگ درختان خودرا به پرتو ان نور حیات بخش میگشایند واما فایده و منفعت او بابدان انسان نیز بدرجه ایست که فوق از متصور نیست چنانچه بتجربه معلوم کرده ایم که محبوسین همینقدر که چند صباحی از تابش این نور بر ابدانشان محروم میمانند مزاجشان ضعیف و بلکه علیل میشوند

جای افسوس است که هنوز قدر این نعمت خداداد را ندانسته ایم چنانچه اگر از روزنه اطاق افتاب بداخل اطاق بتابد نورا بواسطه بستن در یا اویختن پرده اورا منع مینمائیم تا مبادا فرشهای ما بواسطه تابیدن افتاب ازرنگ و رو بیفتند و نمیدانیم که میکروبهای مضر حفظ صحت بواسطه افتاب کشته میشوند و اطاقیکه در او افتاب بتابد ازان جانورها محفوظ میمانند دراین اواخر دکترهای بزرگ کشف نموده اند که یکی ازمعالجات مرض سل نشستن در افتاب است همین قسم که افتاب درصحت مزاج مدخلیت دارد دراخلاق انسان نیز تاثیر مینماید چنانچه بتجربه معلوم گردیده اشخاصی که درممالک مشرقی نشو و نما میکنند بشاش تر و خوش خلق تر هستند از انهائیکه در بلاد مغرب و در شهر های کم نور زندگانی مینمایند البته همه کس خوب ملتفت هستند که درهوای صاف انسان خوشحال تر از هوای تیره و ابر است چرا بواسطه همین که درهوای

ابر از اشعه آفتاب محروم هستیم باین است که کدر و
غمگین میشویم — پس باید بعد از این مواظبت نمائید
تا قدری از اشعه آفتاب را در اطاق مسکونی خودتان داخل
فرمائید که نفع کثیر دارد هرگاه آفتاب بزمین نتابد
تمام ساکنین آن تلف خواهند شد
انسان باید خود را از هوای تازه محفوظ نماید چنانچه مثنوی میفرماید
گفت پیغمبر باصحاب کبار — تن مپوشانید از باد بهار
کانچه با برگ درختان میکند — با تن و جان شما آن میکند
و مخصوصا در فصل زمستان لازم است که درهای اطاق مسکونی را
هر روز یکدفعه باز نمائید تا هوای تازه وارد اطاق بشود
و در واقع هوای کثیف شده اطاق خارج بشود و این
عمل برای حفظ صحت خیلی مفید است — بقیه دارد

ملکه و پنجره های سحری

در یکی از شهرهائیکه واقع است در پشت کوه قاف شاهزاده
خانمی بود در حسن و وجاهت بی‌نظیر فرمان داد تا تمام
حصارهای شهر را جمع نموده قصری بنا کردند که بر
تمام آن شهر مشرف بود و دوازده پنجره بران تعبیه
نمود که آنچه در شهر بود از منظر آن پنجرها مخفی
نمیشد و در واقع این یک نوع سحری بود و برای هر
یک از آن پنجرها درجه قرار داده بود که اگر چیزی
از پنجره اول مرئی نمیشد ملیار از پنجره دویم دیده
و هرگاه از تمام آن پنجرها دیده نمیشد لامحاله از پنجره
دوازدهم میدید و امکان نداشت که چیزی در آن شهر
یافت شود و بر دیده آن از پنجرهها مخفی باشد — این
شاهزاده خانم شوهر اختیار نمیکرد زیرا که میخواست
هیچکس بسلطنت او شریک نباشد و ضمنا اعلان نمود که
هرکس بتواند خود را در این شهر مخفی نماید که من
او را نبینم آن شخص قابل زوجیت من است (چون
میدانست امکان ندارد) و هرگاه کسی داوطلب میشد
و از عهده بر نمی‌آمد سر او را بریده بکنارهائیکه در
اطراف قصر تعبیه نموده بود می‌آویخت — از قضا چند
نفر محترمین آن شهر باو طلب گردیده و چون از
عهده نتوانستند برآمد سرشان بکناره آویخته گردیده و
بعد از آن کسی را یارای این اقدام نشد و مدتها گذشت
که هیچکس جرات خواستگاری ملکه ننمود پس از
چندی سه برادر که اطمینان بطراری و عیاری خود
داشتند داوطلب گردیده آمدند و عرض کردند ما
میتوانیم خود را از منظر ملکه پنهان کنیم ملکه با آنها
شرط کرد که اگر نتوانستند سر آنها را بریده بکناره
بیاویزد آن بیچاره قبول کرد یکی از آنها خود را در
چاه بسیار عمیقی پنهان نمود ملکه او را از پنجره دید
حکم کرد که آن شخص را از چاه درآورده سرش را
بریده بکناره آویختند — یکی دیگر خود را در زیر
زمین همان قصر پنهان نموده ببرادر بزرگ خود ملحق
شد برادر سیم که این طور دید و از آن دو برادر
وجیه‌تر و زیرکتر بود بحضور ملکه آمده بخاک افتاد
و استدعا نمود که اولا سه روز باو مهلت مرحمت
بشود و بعد از سه روز پنهان شود تا سه نوبت در
نوبت اول و دویم ملکه او را نکشته و در نوبت سیم
مختار باشد ملکه آفاق مستدعیات او را قبول نموده
جوان مرخص شده بخیال صید و شکار افتاده تفنگ
خود را برداشته رفت در میان جنگل کلاغی را دید خواست
هدف گلوله نماید کلاغ فریاد کشید که ای جوان از خون من
درگذر که وقتی حاجت تو را بر آورم جوان قبول کرده از او
گذشت رفت بر لب دریاچه ماهی بزرگی را دیده خواست
او را هدف تفنگ نماید ماهی نیز مثل کلاغ همان حرف را
گفت جوان از او هم گذشته بروباهی بر خورد خواست
او را صید نماید روباه هم همین حرف را زده از او نیز
درگذشته بمنزل با دست خالی مراجعت نموده تا روزی
که وقت مخفی شدن او شد رفت در جنگل بکلاغ
بر خورد ماجرا را بیان نمود کلاغ پس از قدری تامل
گفت همین جا تامل کنید تا من بیایم پس از ساعتی
کلاغ تخمی در منقار وارد شد تخم را از میان دوتا کرده
جوان را امر نموده که در میان آن تخم رود چون جوان
داخل آن تخم شد کلاغ سر آنرا بهم آورده برداشته
و به لانه خود برده پنهان نمود ملکه از پنجره جوان
را دیده فرستاده تا کلاغ را کشته تخم را بحضورش آوردند
ملکه امر نمود تا تخم را از هم باز نموده جوان را بیرون
آورده ملکه قاه قاه خندیده بجوان فرموده تو را بر حسب
وعده این دفعه بخشیدم لکن سعی کن تا در دفعه ثانی
خودت را بهتر از اینها پنهان کنی جوان سر خجالت بزیر
افکنده رفت روز دیگر بقصد پنهان شدن از خانه بیرون

آمده حیران و سرگردان میرفت تا لب دریاچه رسید. آن ماهی بزرگ را ملاقات نمود ماهی چون جوان را حیران دید سبب پرسید جوان ماجرا را بیان کرد ماهی گفت چاره حیران نیست که من تو را ببلعم و بته دریاچه روم جوان راضی شد ماهی چنان کرد که گفته بود ملکه از هر یک از آن پنجره‌ها نگاه کرد جوان را نیافت ناچار نزدیک پنجره دوازدهم رفته جوان را در شکم ماهی دید فرستاده تا ماهی را صید نموده آوردند شکمش را باز کرده جوان را بیرون آورد و گفت ای جوان باخبر باش که در دفعه سیم اگر همین قسم‌ها پنهان بشوی سرت زینت کنگره خواهد شد جوان از شدت خجالت جواب نگفته رفت چون روز دیگر شد باخیال پنهان شدن با خاطر پریشان میرفت که ناگاه روبه را ملاقات نموده شکایت را بیان نموده روبه پس از اندکی فکر و تامل گفت بهمراه من بیا جوان همراه روبه رفته تا لب چشمه رسیدند روبه فورا بآن چشمه غوطه‌ور شده وقتیکه بیرون آمد بصورت انسانی شده بود بجوان گفت تو نیز در میان آب برو جوان درمیان آب فرو رفته وقتیکه بیرون آمد خود را بشکل بوزینه دید روبه اورا برداشته بنزدیک قصر رفت ملکه چون دید شخصی می‌آید و بوزینه همراه دارد فرستاده و آن بوزینه را خرید روبه آهسته ببوزینه گفت هروقت ملکه میخواهد به پنجره نگاه میکند تو فورا درزیر گیسوهای ملکه پنهان بشو که تو را نخواهد دید جوان به این دستور عمل کرده ملکه هروقت پشت پنجره میرفت جوان درگیسوی او پنهان میشد از پنجره اول ودوم وسوم الی دوازدهم ملکه هر چند نظر نمود جوان را نیافت ازغیظ پنجره را شکسته بوزینه را از خود دور نمود بوزینه رفت تا خود را بروبه رسانید روبه اورا برده سر آن چشمه دوباره درآب هردو غوطه‌ور شدند وهردو بشکل اولیه خود عودت نمودند جوان آمد بخدمت ملکه ملکه ناچار اورا بشوهری خود اختیار نمود جوان پادشاه آن شهر و مملکت گردید و هیچوقت جوان این مطالب را بملکه بروز نداد که چه وقت از ملکه پنهان شده او خیال میکند که فقط بواسطه عقل وتدبیر خود فهمیده نه اینکه او روباه تعلیم گرفته باشد.

(مطایبات)

جوانی بدکان سمساری یهودی رفته شلوار بخرد سمسار چند جوب شلوار آورده که هرکدام را میخواهی بردار جوان یکی از آنها را برداشته پوشیده گفت حیف که کم رنگ است سمسار گفت اینجا زیر سقف است از این است که بنظر این شلوار کم رنگ می‌آید برو نزدیک روشنائی آنوقت نظر کن ببین تا چه اندازه پر رنگ است جوان نزدیک روشنائی رفته فرار کرد سمسار بنای داد و فریاد را گذارده که آی دزد را بگیرید پلیس خبر شده تفنگ برای جوان گشاد سمسار دست پلیس را گرفته که می‌ترسم گلوله بپایش بخورد و شلوار من سوراخ شود.

ایضا

نصف شب طفلی درب خانه نجاری را کوبیده فریاد کرد که ای استاد تو را بخدا زود ابزارت را برداشته بخانه ما بیا نجار از خواب پریده آمد دم در گفت پسر جان برای چه میخواهی گفت پدرم یک تخت خواب خریده که تا میشود امشب رفت که روی تخت بخوابد تخت تا شده پدرم میان آن مانده نمیتواند بیرون بیاید

ایضا

شخصی دو تک قرانی بنوکرش داد که یکی را نان بگیرد ودیگری را قند نوکر ابله رفت بازار و مراجعت نموده ازآقایش پرسید که کدام یک از این دو تک قران مال نان است و کدام یکی مال قند

ایضا

در فصل زمستان گل زیادی کنار کوچه جمع شده بود یکی از رنود آن کوچه اعلانی بدیوار چسبانید که طفل هشت ساله گم شده وآن را میان این گلها دیده‌اند که تا سینه فرو رفته بود هر کس آن طفل را پیدا کند من سیصد تومان باو میدهم مردم از بس میان این گلها برای پیدا کردن این طفل گردیدند گلها برداشته شد

ایضا

شخصی در رودخانه غرق شد رفیقش خواست قسمی بعیالش خبر بدهد که هول نکند کاغذی نوشت که خانم امشب شوهر شما بخانه نخواهد آمد برای اینکه لباسهایش در رودخانه غرق شده و خودش نیز در میان آن لباسها بود

خانم دکتر کحال

طهران مطبعه شرق